

دسترسی آزاد به اطلاعات و حریم اسرار تجاری مؤسسات و شرکت‌های عمومی



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۴۰۴
صفحه ۳۱ الی ۶۴



چکیده

در تمام دنیا دسترسی آزاد به اطلاعات از ارکان مهم تأمین شفافیت نسبت به فعالیت‌های نهادهای عمومی است؛ لکن این امر گاه با سایر حقوق و ارزش‌ها، از جمله حقوق مربوط به اسرار تجاری، به دلیل عدم ارائه تعریف دقیق از اسرار در اختیار نهادهای عمومی و حدود و نحوه تأمین محرمانگی آن‌ها و همچنین تردید در چگونگی اجرای الزامات مربوط به دسترسی به اطلاعات در خصوص این نوع از داده‌ها، مرزهای نامشخصی دارد که منجر به ایجاد چالش‌هایی می‌گردد. این چالش‌ها از

صادقی، محسن
(دانشیار، گروه حقوق
خصوصی، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه تهران، تهران،
ایران)

قربان‌نیا، امیرمحمد
(کارشناسی ارشد،
گروه حقوق خصوصی،
دانشکده حقوق و علوم
سیاسی، دانشگاه تهران،
تهران، ایران)

۱. نویسنده مسئول

amir.ghorbannia@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۰

یک سو ممکن است در قالب نقض حریم فعالیت‌های تجاری مشروع نهادهای عمومی جلوه کنند و از سوی دیگر می‌توانند به شکل عدم شفافیت بی‌ضابطه فعالیت‌های تجاری ظهور یابند؛ لذا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان میان حق دسترسی آزاد به اطلاعات جهت شفافیت با حق حفظ حریم اسرار تجاری بنگاه‌های اقتصادی جمع نمود؟ پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به مسئله مطروح ضمن اتخاذ رویکردی تطبیقی، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مکتوب و دیجیتالی، در صدد ارائه راهکارهایی جهت برقراری توازن میان این دو حق متعارض است. یافته‌های این تحقیق نشانگر این امر است که در برخی قوانین مربوط به دسترسی آزاد به اطلاعات عمومی، استثنائاتی در زمینه افشای انواع خاص داده‌ها از جمله اسرار تجاری، پیش‌بینی شده‌اند. در حقوق ایران نیز شیوه‌نامه‌ای در خصوص تفکیک اطلاعات عمومی از اسرار تجاری منتشر شده است؛ لکن با بررسی اسناد مذکور، به این نتیجه محتمم می‌رسیم که هنوز ابهاماتی در این خصوص باقی است و مقررات موجود شفافیت لازم را در این زمینه تأمین نمی‌کنند؛ لذا در فرض تعارض و عدم تصریح، باید شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات را به عنوان یک حق بنیادین، در اولویت قرار داد. واژگان کلیدی: اسرار تجاری، اطلاعات و داده‌های عمومی، دسترسی آزاد به اطلاعات، شفافیت اداری

Free Access to Information and the Confidentiality of Trade Secrets in Public Institutions and Companies

Sadeghi, Mohsen (Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran)

Ghorban nia, Amirmohammad¹ (Master's degree, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran)

Abstract

Globally, free access to information is a cornerstone of ensuring transparency in the activities of public institutions. However, this principle sometimes conflicts with other rights and values, such as the rights related to trade secrets. The lack of a precise definition for trade secrets held by public institutions, the uncertainty surrounding the boundaries and mechanisms for ensuring their confidentiality, and doubts regarding the application of access-to-information obligations to such data create ambiguous boundaries, leading to significant challenges. On one hand, these challenges may manifest as breaches of the legitimate trade confidentiality of public entities, and on the other, as arbitrary non-transparency in their commercial activities. This raises the question: how can the right to free access to information for transparency purposes be reconciled with the right to protect the trade secrets of economic entities? To address this question, this research by identifying the legal and practical challenges and conflicts involved, using a descriptive-analytical approach and drawing on national and international laws, practices, and written and digital library resources, seeks to provide solutions to balance these two conflicting rights. The findings indicate

1. Responsible author

that certain laws related to public access to information include exceptions regarding the disclosure of specific types of data, including trade secrets. In Iranian law, a guideline has also been published regarding the distinction between public information and trade secrets. However, this article posits that since ambiguities still remain in this regard and the mentioned regulations do not provide sufficient clarity, in cases of conflict and lack of explicit provisions, transparency and public access to information should be prioritized as a fundamental right.

Keywords: Administrative transparency, Free access to information, Public data, Trade secrets.



مقدمه

به طور کلی در خصوص مؤسسات و شرکت های عمومی در اکثر کشورهای مدرن، دسترسی آزاد به اطلاعات با انگیزه افزایش سطح پاسخگویی، شفافیت و مشارکت جمعی، به عنوان یک حق مهم و بنیادین پیش بینی شده است. ریشه این امر را می توان در حقوق بنیادین بشری از جمله حق نسبت به تعیین سرنوشت (Cristescu, 1981: 17) و برخی نظریه های مربوط به حکومت ها مثل نظریه قرارداد اجتماعی یافت که با تلقی افراد جامعه به عنوان حاکمان اصلی، ایشان را نسبت به اطلاع از چگونگی و جزئیات فعالیت های ارکان و نهادهای عمومی که صرفاً نماینده جامعه هستند، محق می داند (Laskar, 2013: 8). وجود چنین حقی علاوه بر تأثیرگذاری در زمینه کاهش انواع فساد سازمان یافته مالی و اداری، نقش به سزایی در جلب اعتماد عمومی ایفا می کند؛ با این حال، این حق در عمل با چالشی جدی مواجه است؛ چراکه افشای کامل اطلاعات می تواند به افشای اسرار تجاری شرکت های عمومی منجر شود. اسرار تجاری شامل داده های مالی، الگوریتم ها، استراتژی های اقتصادی و... هستند که در صورت افشای آن ها، ضربه بزرگی به رقابت پذیری شرکت ها وارد می شود. علاوه بر اهمیت اقتصادی

این موضوع برای صاحبان اسرار، حفاظت از اطلاعات تجاری مؤسسات و شرکت‌ها می‌تواند به طور غیرمستقیم با کمک به حفظ کارایی این نهادها، در تحقق منافع عمومی نیز تأثیرگذار باشد؛ لذا تضاد میان دسترسی آزاد به اطلاعات و حفاظت از اسرار تجاری، یک چالش حقوقی پیچیده است که بسیاری از کشورها در سطح بین‌المللی با آن مواجه هستند. درواقع ایجاد توازن میان شفافیت و حفاظت از اطلاعات حساس، یکی از مسائل کلیدی در حوزه حقوق عمومی و اداری و حوزه حقوق تجارت و مالکیت فکری محسوب می‌شود.

بنا بر بیان مسئله مطروح، سؤالاتی به این شرح قابل طرح است: در قوانین موضوعه کشورهای مختلف، چه راه‌حل‌هایی برای رفع تعارض مذکور پیش‌بینی شده و آیا در چهارچوب حقوقی موجود، ایجاد توازنی مطلوب بین حق دسترسی آزاد به اطلاعات عمومی و حفاظت از اسرار تجاری شرکت‌های عمومی ممکن است؟ چگونه می‌توان از ابزارهای نظارتی و سازوکارهای حقوقی برای پیشگیری از سوءاستفاده از اطلاعات بهره‌برد و چه درس‌هایی از تجارب کشورهای پیشرو (آمریکا و اتحادیه اروپا) در این زمینه می‌توان استخراج نمود؟

پرداختن به مسائل مذکور از منظر عملی و قانونی اهمیت و ضرورت فراوانی دارد. در بُعد اجرایی، بررسی و تشریح راهکارهای قانونی برای تفکیک اطلاعات عمومی از اسرار تجاری، می‌تواند از بروز سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری و فضای رقابت سالم را تضمین کند. از حیث اقتصادی حفاظت از اسرار تجاری به حفظ ثبات بازارها و رقابت‌پذیری شرکت‌های عمومی کمک می‌نماید؛ درحالی‌که شفافیت اطلاعات موجب افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد می‌شود. از منظر حقوقی نیز ایجاد چهارچوب‌های قانونی مستدل و شفاف برای تعیین مرزهای بین حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حفظ اسرار تجاری، زمینه تدوین قوانین کارآمد و سازگار در سطح ملی و بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

یافته‌های مقاله حاضر نشانگر آن است که با وجود وضع قوانین مختلف در زمینه دسترسی آزاد به اطلاعات عمومی مثل قانون آزادی اطلاعات ایالات متحده آمریکا

(۱۹۶۶)، مقررات دسترسی آزاد به اطلاعات نهادهای اتحادیه اروپا (۲۰۰۱) و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ایران (۱۳۸۷) و اشاره برخی از این قوانین به امر حفاظت از اسرار تجاری، به دلیل عدم شفافیت و عدم تصریح و نیز ارائه نکردن تعاریف و تبیین دقیق حدود و قلمرو مسائل مرتبط، همچنان چالش‌های این حوزه به قوت خود باقی است؛ لذا با عنایت به مطالب فوق، مقاله حاضر به بیان مبانی نظری بحث و همچنین چالش‌های موجود و ابعاد آن‌ها می‌پردازد تا ضمن معرفی راهکار قانونی منتخب میان حوزه‌های مختلف قضایی، خلأها و کاستی‌های آن را نیز بررسی نماید تا در نهایت به طراحی رویکردی جامع برای رفع تعارضات، نائل آید. در این خصوص به عنوان فرضیه می‌توان این نکته را مطرح کرد که چون از طرفی حق دسترسی آزاد به اطلاعات، از حقوق بنیادین بشر است و در بسیاری از اسناد حقوق بشری به وجود چنین حقی اشاره شده است و از طرف دیگر در قوانین و مقررات این حوزه نیز آزادی اطلاعات به عنوان یک حکم کلی مطرح می‌شود و داده‌های تجاری تنها به شکل استثنایی از دایره شمول این حکم خارج می‌گردند، در مواقع ابهام، در اولویت قرار دادن شفافیت اداری و امکان نظارت بر فعالیت‌های نهادهای عمومی به عنوان اصل، توجیه‌پذیر خواهد بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادین - کاربردی، با روش کیفی و به شکل توصیفی - تحلیلی، با مطالعه منابع کتابخانه‌ای مکتوب و دیجیتال، ضمن اتخاذ رویکردی تطبیقی در بررسی مقررات و آرای قضایی، سعی در پاسخگویی به سؤالات مذکور خواهد داشت. قلمرو مکانی این نوشتار را قوانین و رویه ایالات متحده آمریکا به عنوان کشور دارای قدیمی‌ترین و مفصل‌ترین مقررات در زمینه آزادی اطلاعات، اتحادیه اروپا با عنایت به رویکردهای متفاوت و جزئی‌تر در مقایسه با آمریکا و پرداخت بیشتر به اسرار تجاری، انگلستان به دلیل دارا بودن سوابق رسیدگی و پرونده‌های متعدد در این زمینه و در نهایت حقوق ایران، تشکیل می‌دهند. از حیث قلمرو زمانی نیز تلاش شده تا در عین مراجعه به منابع اصلی و مقالات مرجع در این زمینه، منابع جدیدتر مربوط به سال‌های اخیر هم در نظر

گرفته شوند. در نهایت با مقایسه رویکردهای اصلی در این زمینه، ضمن بیان یافته‌ها، راهکارها و پیشنهادهایی عملی نیز برای رفع خلأهای موجود ارائه خواهد شد.

بخش اول: تعاریف و مبانی مفاهیم اصلی

۱. تعریف و فلسفه دسترسی آزاد به اطلاعات

معنای عام آزادی اطلاعات، در راستای پاسداری از حقوق بنیادین بشری، شامل دسترسی به هر نوع اطلاعات و انتقال آن به عنوان فعالیتی سیاسی و اجتماعی می‌شود. در سال ۱۹۴۶ و پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۵۹ چنین مفهومی از آزادی و گردش اطلاعات را تأیید کرد؛ اما در معنای خاص، به مرور و با گذشت زمان، آزادی اطلاعات به آزادی دسترسی به داده‌های عمومی و دولتی تقلیل یافته است؛ ضمن اینکه حق انتقال و جریان اطلاعات نیز از این تعریف حذف و تنها به کسب اطلاعات محدود شد. (کرمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۲۰-۳۲۴)

ریشه و مبنای اصلی دسترسی آزاد به اطلاعات را باید در حق آزادی بیان جست‌وجو کرد. آزادی بیان به معنی امکان بیان افکار و عقاید در خلوت خود نیست؛ بلکه عقاید باید مخاطبی داشته باشند. این آزادی دوطرفه است؛ لذا هم گفتن عقاید و اطلاعات و هم دریافت و دسترسی به آن‌ها، آزاد است؛ چراکه بدون دریافت و بدون مخاطب، بیان، فایده و مفهومی ندارد. از این مقدمه و از مفهوم آزادی بیان، می‌توان به آزادی اطلاعات رسید. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز همان‌طور که گفته خواهد شد، آزادی بیان را شامل آزادی دریافت اطلاعات هم می‌داند (ویژه و طاهری، ۱۳۹۰: ۲۴۰)؛ علاوه بر این در بحث‌های مربوط به خدمات عمومی و موارد مصرف بودجه عمومی، افشا و شفافیت حداکثری یک اصل و مبنای مهم است. در حقیقت دامنه حق دسترسی به اطلاعات باید در گسترده‌ترین حالتی باشد که بتواند تمام نهادها و انواع اطلاعات را دربرگیرد؛ مگر اینکه برخی موارد، به تصریح و با توجیهات و دلایل مهم و قابل توجه، از دامنه آن استثنا شوند (زندیه و سالارسروری، ۱۳۹۲: ۱۲۴)؛ البته در کنار مبنای مذکور، مبانی فرهنگی

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیاری نیز برای حق دسترسی به اطلاعات وجود دارند که از دایره پژوهش حاضر خارج هستند.

۲. تعریف اسرار تجاری و اهمیت آن

در خصوص اسرار تجاری، در عرف، تعاریف گسترده‌ای وجود دارد؛ لکن قوانین این حوزه با ارائه تعاریفی مضیق، ویژگی‌های خاصی را برای این اسرار در نظر گرفته‌اند. در ماده ۳۹ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۱، اطلاعاتی که از دیگران پوشیده و خارج از دسترس ایشان باشند، دارای ارزش تجاری باشند، تحت شرایط معقول، برای محرمانه نگه داشتن آن‌ها اقداماتی صورت گرفته باشد، سرّ تجاری هستند؛ علاوه بر این سه شرط، از نظر ماهوی، هر فرمول، الگو، دستگاه یا مجموعه‌ای از اطلاعاتی که در کسب و کار فرد استفاده می‌شود و به او فرصت برتری نسبت به رقبای ناآگاه به این اطلاعات را می‌دهد، سرّ تجاری است. (White & Sanney, 2010: 12). در ماده ۱۲۲ قانون حمایت از مالکیت صنعتی سال ۱۴۰۳ ایران نیز، به عنوان آخرین اراده قانونی، با الهام مستقیم از موافقت‌نامه فوق، به هر نوع اطلاعات تجاری، دارای ارزش اقتصادی مستقل بالقوه یا بالفعل یا ارزش رقابتی و عموماً ناشناخته که اقدامات متعارفی برای حفظ محرمانگی آن صورت گرفته باشد، سرّ تجاری گفته شده است.

در حقوق آمریکا در سال ۱۹۷۹، قانون متحدالشکل اسرار تجاری تصویب^۲ و در سال ۱۹۸۵ اصلاح شد. این قانون فدرال به عنوان یک قانون مدل تاکنون در اکثر ایالت‌ها به همین شکل تصویب شده است. قانون دیگری هم در این کشور با عنوان قانون دفاع از اسرار تجاری^۳ در سال ۲۰۱۶ تصویب شد که به عنوان بخشی از قانون مالکیت فکری ایالات متحده^۴ عمل می‌کند. طبق این مقررات سرّ تجاری شامل فرمول، برنامه، دستگاه، روش، تکنیک یا فرایندی است که ارزش اقتصادی مستقل، بالفعل یا بالقوه داشته باشد، ناشناخته باشد، به آسانی با ابزارهای مناسب قابل تشخیص نباشد و تحت شرایط معقول

1. World Trade Organization. (1994). Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS), art 39(2).

2. Uniform Trade Secrets Act 1979 (UTSA)

3. Defend Trade Secrets Act - DTSA

4. U.S. Intellectual Property Law

برای حفظ محرمانه بودن آن تلاش‌هایی صورت گرفته باشد.

حال همان‌طور که گفته شد، از استثناهای مهم قوانین دسترسی به اطلاعات، اسرار تجاری هستند؛ لکن اکثر این قوانین مثل قانون ایران و قانون آزادی اطلاعات آمریکا^۱ هیچ تعریف خاصی از «اسرار تجاری» یا «محرمانه بودن» ارائه نکرده‌اند و این امر باعث ایجاد چالش‌هایی شده است؛ برای مثال از زمان تصویب قانون فوق در آمریکا، اکثر ایالت‌ها قوانین اسرار تجاری خود را با الگوبرداری از قانون متحدالشکل تصویب کرده‌اند و لذا تضادهایی بین تعاریف و عناصر اسرار در تفسیر قانون آزادی اطلاعات ایجاد شده است؛ به عنوان نمونه راجع به ویژگی‌های سرّ تجاری، در پرونده‌ای^۲، دادگاه معیار محرمانه بودن را تعیین و اعلام کرد که اطلاعات تنها زمانی مشمول این استثنا می‌شوند که افشای آن‌ها به موقعیت رقابتی ارائه‌دهنده آسیب جدی بزند و بر توانایی دولت برای جمع‌آوری اطلاعات مشابه تأثیر بگذارد؛ لکن در پرونده دیگری^۳ دیوان عالی ایالات متحده استاندارد سخت‌گیرانه‌تری برای تعریف محرمانه بودن تعیین و اعلام کرد که اطلاعات تجاری یا مالی اگر به‌طور معمول محرمانه نگه داشته شوند و نهاد ارائه‌دهنده انتظار محرمانگی داشته باشد، تحت استثنای افشا قرار می‌گیرند. (Goldman, 2008: 702-704) علاوه بر ویژگی‌های اسرار تجاری و مفهوم محرمانگی، تعریف دقیق خود اسرار نیز در بحث آزادی دسترسی حائز اهمیت است؛ برای مثال در پرونده‌ای^۴ در کانادا با توجه به وجود استثنای افشای اسرار تجاری در ماده ۲۰ قانون آزادی اطلاعات کانادا^۵، دادگاه فدرال درخواست محرمانه ماندن اطلاعات تجاری را رد کرد؛ چون معتقد بود که صرف ادعای وجود چنین اسراری کافی نیست؛ بلکه باید ویژگی‌های خاصی مطابق با تعاریف قانونی برای اطلاعات مورد بحث به اثبات برسد؛ بنابراین تعریف اسرار تجاری در قوانین مربوطه به‌طور مستقیم بر نحوه اجرای قانون دسترسی آزاد به اطلاعات تأثیر خواهد

1. Freedom of information act (FOIA) 1966

2. National Parks & Conservation Association v. Morton

3. Food Marketing Institute v. Argus Leader Media (2019)

4. Intercontinental Packers Limited v. Minister of Agriculture (1987)

5. The Access to Information Act, R.S.C. 1985

گذاشت. در پرونده دیگری^۱ در مورد اطلاعات وزارت امور خارجه کانادا، دادگاه بیان کرد که تعریف ارائه شده از اسرار تجاری طبق استثنای ماده ۲۰ نباید به حدی گسترده باشد که با سایر اطلاعات همپوشانی پیدا کند؛ لذا دادگاه اسرار تجاری را این گونه بازتعریف کرد: «اطلاعات محرمانه مربوط به بازرگانی، که مداوم محافظت می‌شوند و افشای آن با ضرر اقتصادی همراه است»؛ بنابراین و مطابق با نظر دادگاه، سرّ تجاری، با اطلاعات صرفاً محرمانه متفاوت است و به همین دلیل درخواست عدم افشای اطلاعات رد شد. در آمریکا نیز در پرونده دیگری^۲ دادگاه تجدیدنظر کلمبیا تعریفی مضیق از اسرار تجاری ارائه کرد. در این پرونده اسرار تجاری به عنوان راز دارای ارزش تجاری، شامل فرمول‌ها یا فرایندها تعریف شد که محصول نهایی نوآوری و تلاش فنی است. (ICO Canada, 2023)

در حقیقت قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات، یا خود اقدام به تعریف اسرار تجاری می‌کنند یا از تعاریف موجود در سایر قوانین به‌ویژه قانون حفاظت از اسرار تجاری وام می‌گیرند. در این صورت نیز در رویه برخی کشورها، دادگاه ممکن است بنا به برخی مصالح یا شرایط خاص و واقعیت‌های پرونده یا برای جاری نمودن عدالت و انصاف در فرض ابهام قوانین و مقررات، اسرار تجاری را تعریف کند؛ به هر حال تعریف سرّ تجاری به شکل مستقیم در اعمال حق بر دسترسی به اطلاعات تأثیرگذار خواهد بود.

بخش دوم: تعارض دسترسی به اطلاعات با حفاظت از اسرار تجاری و دیدگاه‌های موجود

۱. منع افشای اسرار تجاری در قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات

طبق مطالب بیان شده، اسرار تجاری به دلیل محرمانگی و دارا بودن ارزش تجاری و اقتصادی، در زمره محدودیت‌ها و استثنائات دسترسی آزاد به اطلاعات قرار می‌گیرند؛ اما قوانین موضوعه در این زمینه، نسبت به این امر واحد، رویکردهای متعددی اتخاذ نموده است و هر یک تعاریف و شرایط خاصی را مطرح می‌کنند.

1. Société Gamma Inc. v. Department of the Secretary of State, (1994), T-1587-93 & T-1588-93 (F.C.T.D.)

2. Public Citizen Health Research Group v. FDA, 704 F. 2d 1280, 1288 (D.C. Cir. 1983)

ایران

قانون انتشار و دسترسی
آزاد به اطلاعات سال ۱۳۸۷
و شیوه‌نامه تشخیص و
تفکیک اطلاعات تجاری
از اطلاعات عمومی سال
۱۴۰۱

ماده ۱۶ قانون دسترسی آزاد
بیشتر به حفاظت از اطلاعات
تجاری اشخاص ثالث توجه
دارد؛ درحالی که شیوه‌نامه سال
۱۴۰۱ با گسترش دامنه آن از
اطلاعات تجاری خود مؤسسه
عمومی نیز حمایت می‌کند.

خسارت ناشی از افشا باید نامشروع
باشد؛ همچنین باید احتمال ورود
ضرر ناشی از افشا اثبات شود و نحوه و
میزان خسارت مالی احتمالی ناشی از
دسترسی به اطلاعات به صورت کمی
توجیه گردد؛ البته احتمال محکوم یا ملزم
شدن مؤسسه به ایفای الزامات قانونی
یا تعهدات قراردادی خود از جمله به
پرداخت حقوق، مزایا، مستمری، حق
بیمه و سایر حقوق مالی به اشخاص
مدعی نمی‌تواند مانع از دسترسی به
اطلاعات درخواستی شود.

به نقش منافع عمومی و آزادی
بیان توجه نشده است ولی شرایط
مفصل برای اثبات استثنای
اسرار تجاری نشان‌دهنده ترجیح
منافع عمومی در دسترسی به
اطلاعات است.

آمریکا

قانون آزادی اطلاعات
سال ۱۹۶۶ و اصلاحات
سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۷ و
۲۰۱۶

استناد طبقه‌بندی شده برای
امتیاز ملی، قوانین داخلی
و عملیاتی نهادها، اطلاعات
محرمات طبق قوانین فدرال،
اسرار تجاری، مکاتبات
و مشاوره‌های بین‌نهادی،
اطلاعات شخصی، تحقیقات
اجرایی، اطلاعات مرتبط با
نظارت بر مؤسسات مالی و
اطلاعات جغرافیایی مربوط
به چاه‌های نفت و گاز و منابع
طبیعی از دامنه دسترسی خارج
هستند.

از اطلاعاتی که دارای ماهیت تجاری
یا مالی بوده و از یک شخص دریافت
شده و محرمانه یا دارای امتیاز ویژه
هستند، محافظت می‌شود. اطلاعات
تجاری خود مؤسسه نیز مورد حمایت
هستند و مؤسسه در صورتی می‌تواند از
انتشار اطلاعات خودداری کند که به‌طور
منطقی پیش‌بینی کند که افشا، به منافع
محافظت‌شده توسط معافیت ذکرشده
آسیب می‌رساند. (McBain & Fields
1994: 65)

به نقش منافع عمومی و آزادی
بیان توجه نشده است.

جدول استثنای قانونی دسترسی به اطلاعات

نقش آزادی بیان و منافع عمومی	شرایط/استثنای افشا	تعریف اسرار تجاری و استثنای آن	قوانین و مقررات	اتحادیه اروپا	انگلستان
حفاظت از اسرار تجاری نباید به مواردی تعمیم یابد که در آن افشای اسرار تجاری در خدمت منافع عمومی باشد، تا آنجا که سوء رفتار، تخلف یا فعالیت غیرقانونی مستقیماً مرتبط با آن فاش شود.	افشای اسرار تجاری در خدمت منافع عمومی نیست. تا آنجا که سوء رفتار، تخلف یا فعالیت غیرقانونی مستقیماً مرتبط با آن فاش شود.	اطلاعات با ارزش اقتصادی و محرمانه که افشای آن با ایجاد خسارت مالی همراه باشد.	۱. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۷ ۲. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۳. ماده ۵۲ و ۴۲ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا (۲۰۰۴: ۶-۷). ۴. دستورالعمل اسرار تجاری اتحادیه اروپا ۵. مقررده دسترسی به اسناد نهادهای اتحادیه اروپا (۲۰۰۱ Sharon K. & Ulla-Mai-) (ja, 2020: 43-48).	اتحادیه اروپا	بخش ۴۳ قانون آزادی اطلاعات انگلستان ۲۰۰۰
شرط عدم افشای اسرار تجاری، تأمین معیار منافع عمومی است. طبق این معیار باید تعیین شود که آیا افشای اطلاعات به نفع عموم است یا خیر.	بخش ۴۳ تنها در صورتی که افشای اطلاعات به منافع تجاری هر شخص حقوقی لطمه نزند، اعمال می شود؛ ضمن اینکه اثبات رابطه علی بین افشای اطلاعات و خسارت پیش بینی شده و میزان و نحوه ورود آن ضروری است.	اطلاعات با ارزش اقتصادی و محرمانه که افشای آن با ایجاد خسارت مالی همراه باشد.	۱. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۷ ۲. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۳. ماده ۵۲ و ۴۲ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا (۲۰۰۴: ۶-۷). ۴. دستورالعمل اسرار تجاری اتحادیه اروپا ۵. مقررده دسترسی به اسناد نهادهای اتحادیه اروپا (۲۰۰۱ Sharon K. & Ulla-Mai-) (ja, 2020: 43-48).	اتحادیه اروپا	بخش ۴۳ قانون آزادی اطلاعات انگلستان ۲۰۰۰

۲. دیدگاه مبتنی بر لزوم حفظ محرمانگی اسرار تجاری دولتی

این دیدگاه بر مبنای تحلیل اقتصادی و با در نظر گرفتن نقش حفاظت از محرمانگی اسرار تجاری در رشد و توسعه اقتصادی کشور با بهبود کارکرد نهادهای عمومی، در مواقع ابهام و تردید یا سکوت قوانین دسترسی به اطلاعات، قائل به ارجحیت محرمانگی و عدم افشای اطلاعات است. با رشد اقتصادی کشور از طریق استفاده بهینه از اسرار تجاری، چه بسا منافع عمومی بیشتری نیز نسبت به فرض افشای اطلاعات تأمین گردند. در حقیقت طبق تحلیل اقتصادی، اسرار تجاری در دست شرکت‌ها و مؤسسات متخصص دارای آگاهی و امکانات مالی و قانونی، در خلق ارزش، مفیدتر از زمانی عمل می‌کنند که با افشا و قرارگیری در دستان مردمان عادی، فایده و کارکرد اقتصادی خود را از دست بدهند.

چند دلیل اصلی در تأیید این دیدگاه قابل طرح است؛ دلیل اول، لزوم ترویج و تشویق رقابت است. اگرچه در بسیاری از موارد افشای اطلاعات باعث ارتقای رقابت در بازاری آزاد می‌شود، اما در نقطه مقابل منافی نیز در اجازه دادن به بخش عمومی برای پنهان نگه داشتن اطلاعات وجود دارد که در صورت فاش شدن، بر توانایی آن‌ها برای مذاکره یا رقابت در یک محیط تجاری تأثیر منفی می‌گذارد؛ برای مثال در پرونده‌ای^۱ در انگلستان، شخصی یک کپی از طرح تجاری بین شهرداری لندن و یک شرکت شخص ثالث را درخواست کرد. تصمیم دادگاه این بود که با وجود غیرانتفاعی بودن سازمان، به دلیل فعالیت ایشان در فضایی رقابتی، منافع عمومی از معافیت افشا در این مورد حمایت می‌کند؛ چراکه با افشای اسرار یکی از فعالان بازار، ضمن تضعیف موقعیت رقابتی ایشان، رقابت در کل بازار نیز کم می‌شود و در نتیجه منفعت عمومی ناشی از داشتن یک بازار رقابتی کارآمد تا حدودی از بین می‌رود.

دلیل دوم لزوم حفظ محرمانگی اطلاعات، امکان صدمه به شهرت یا از دست دادن اعتماد مشتری در صورت افشا است. نکته سوم در لزوم حفظ توانایی درآمدزایی بخش‌های عمومی و دولتی نهفته است. انتشار اطلاعاتی که نحوه تولید درآمد را توضیح

1. Willem Visser v Information Commissioner EA/2011/0188, (1 March 2012)

می‌دهند، همیشه به نفع عموم نیست. این امر ممکن است تأثیر منفی بر توانایی شرکت دولتی برای به دست آوردن بهترین ارزش در مقابل بودجه عمومی داشته باشد؛ برای مثال در یک پرونده^۱ در مورد افشای جزئیات خدمات، حقوق، دستمزد و بازنشستگی که به افراد شاغل در مدارس ارائه می‌شد، شورای شهر توضیح داد که باید برای انعقاد قرارداد با سایر پیمانکاران بخش خصوصی و سایر مقامات محلی رقابت کند و لذا از فاش نمودن اطلاعات معذور است. دادگاه در نتیجه‌گیری خود بیان کرد که قبل از این، بیشتر پرونده‌های مربوط به بخش ۴۳ (استثنای دسترسی به اطلاعات در قانون انگلستان) ناشی از شرایطی بودند که در آن مقامات دولتی، خدمات عمومی را به شکل انحصاری ارائه می‌کردند؛ لذا به دلیل عدم وجود رقابت و خطر برای درآمدزایی بخش دولتی، استناد به محرمانگی رد می‌شد؛ لکن در این پرونده شورا در یک بازار رقابتی با نقش‌آفرینان خصوصی قرار داشت و نیاز فوری به حفظ درآمد برای شورا در شرایط مالی بسیار سخت، محرمانگی اطلاعاتش را توجیه می‌کرد.

دلیل آخر نیز لزوم حفظ موضع دولت در مذاکرات است. افشای اطلاعاتی مانند سازوکار قیمت‌گذاری می‌تواند برای مذاکرات در مورد سایر قراردادها و خدمات مضر باشد؛ برای مثال، اگر سازمانی بداند که بخش دولتی برای یک کالا یا خدمات چگونه هزینه می‌کند، می‌تواند از آن برای سود یا منفعت شخصی بهره‌برداری کند؛ بنابراین منافع عمومی در مواردی اقتضا می‌کند که مقامات دولتی در مذاکرات تجاری با بخش خصوصی به دلیل تعهدات خود در زمینه آزادی اطلاعات، آسیب نبینند (ICO, 2023). در شرح بیشتر موارد فوق، برای مثال شرکت‌های دولتی حوزه نفت و گاز، حفاری و راه‌سازی و... اکثر مواد اولیه و روش‌هایشان سری است. اگر جزئیات این خدمات دولتی افشا شود ممکن است بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری‌هایی نسبت به رقابت با بخش عمومی اقدام کند و این امور از انحصار دولتی خارج شود و کاهش منابع درآمد انحصاری باعث عدم توانایی ایشان در تأمین وجوه لازم برای سایر فعالیت‌ها و اهداف عمومی گردد؛ برای مثال در آمریکا و در حوزه استخراج نفت و گاز راجع به روش

1. Council of the Borough and County of the Town of Poole v IC EA/2016/0074, (13 September 2016)

خاصی^۱ از اواخر دهه ۱۹۹۰ اختلافات زیادی از حیث پیامدهای زیست محیطی مطرح شده است. محققان در بسیاری از رشته‌ها جزئیات این روش‌ها را به دلیل اهمیتی که در بررسی میزان آلودگی محیط زیست دارند، به عنوان اطلاعاتی در نظر گرفته‌اند که عموم مردم حق دارند بدانند؛ با این حال، از دیدگاه شرکت‌های نفت و گاز این مسائل نتیجه آزمایشات و آزمون‌ها و خطاهای گسترده و نشان‌دهنده اطلاعات انحصاری ارزشمند مشمول حقوق مالکیت معنوی است که از طریق قانون اسرار تجاری محافظت می‌شوند؛ لذا در برابر افشای این اسرار به دلیل حفظ مزیت رقابتی شرکت‌های دولتی نفتی به‌ویژه در سطح جهانی، مقاومت بسیاری وجود دارد. (Tang, 2023: 20-24) در پرونده‌ای^۲ در آمریکا که نشان‌دهنده اهمیت حفظ محرمانگی، حتی در برابر نفع عمومی است، در سال ۲۰۰۵، در شرکت سیسکو که ارائه‌دهنده اینترنت به عنوان زیرساختی عمومی بود، یک کارمند سابق با بررسی سرورها و نرم‌افزارها، متوجه نواقص امنیتی و شکاف‌هایی شد که باعث نشت اطلاعات کاربران می‌شد و لذا این موارد را اطلاع‌رسانی و جزئیات فنی آسیب‌پذیری را فاش کرد. سیسکو بعد از شکایت بیان داشت که این مسائل اسرار تجاری شرکت هستند و نحوه کار سیستم‌های شرکت را نشان می‌دهند؛ پس با تصمیم دادگاه، هم کارمند جریمه شد و هم اسرار فاش شده به‌طور کامل از تمام منابع حذف گشت. یا در پرونده دیگری^۳ در سال ۲۰۰۴، در شهر فیلادلفیا، با تشکیل یک شرکت غیرانتفاعی زیر نظر شهرداری، توسعه سیستم وای‌فای در سطح شهر آغاز شد. شهرداری توضیح داد که هدف و نقش اساسی دولت در این پروژه فراهم کردن چهارچوب و سرمایه‌گذاری اولیه مورد نیاز برای بهره‌برداری کامل از این فرصت بود؛ چراکه بخش عمومی به این پروژه نیاز خواهد داشت؛ لکن هیچ‌گاه جزئیات دیگری از این پروژه و مناقصه‌ها و قراردادهای، با استناد به محرمانگی اسرار تجاری، منتشر نشد. (Levine, 2022: 177-184)

به هر حال نمی‌توان این نگاه را به‌طور کامل و مطلق تأیید کرد؛ چراکه تأمین اعتماد عمومی و سطح مناسبی از شفافیت دولتی نیز ضروری است؛ لذا باید راه‌حل‌هایی

۱. شکست هیدرولیکی (Hydraulic fracturing)

2. Cisco Systems Inc. v. Michael Lynn

3. Citywide Wireless Internet (Wi-Fi) case

جهت افشای اطلاعات بدون ضرر به منافع مشروع بخش‌های عمومی ارائه گردد. طبق این رویکرد، احتمالاً تنها راه حل این است که حسب درخواست مردم، مسائل مرتبط اما حاشیه‌ای و با اهمیت و جزئیات کمتر افشا شوند؛ یعنی خود سرتجاری و فرمول و الگوریتم‌ها، سری هستند؛ اما اطلاعات با اهمیت کمتر ولی مرتبط با آن می‌تواند افشا گردد؛ به این معنی که دولت با انجام پیش‌بینی‌هایی، اطلاعات درخواستی را به میزانی، یا به شکلی، یا در قالبی منتشر کند که امکان سوءاستفاده از آن وجود نداشته باشد. راه حل دیگر، خودتنظیمی و پیش‌قدم شدن است. وقتی خود مؤسسه یا شرکت عمومی به طور داوطلبانه برخی اطلاعات مالی و تجاری با اهمیت کمتر را منتشر نماید، با تمرکز بر این اطلاعات و تحلیل آن‌ها، فشار عمومی نسبت به انتشار سایر اطلاعات کمتر می‌شود. وقتی دولت راجع به امری توضیح دهد، دیگر باقی جزئیات که جزو اسرار تجاری و دارای اهمیت مادی است، مورد توجه عموم نخواهد بود و توجه اغلب مردم به مطالب افشاشده جلب خواهد شد.

۳. دیدگاه مبتنی بر اولویت شفافیت و اصل افشای اطلاعات عمومی

در مقابل و بنا به رویکردی صحیح‌تر، باید قائل به لزوم افشای حداکثری اطلاعات عمومی بود. اگرچه دلایل خوبی برای محرمانگی تجاری در تجارت خصوصی وجود دارد، اما در حوزه زیرساخت‌های عمومی، باید ارزش‌های دموکراتیک اساسی، شفافیت و پاسخگویی حاکم باشد؛ البته نمی‌توان این رویکرد را در همه کشورها کارا دانست؛ برای مثال در کشوری مثل ایران که از کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، به دلیل نیاز به رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری و همین‌طور کمبود زیرساخت‌ها لازم برای حمایت از مالکیت‌های فکری، باید در افشای اطلاعات جانت احتیاط را در پیش گرفت و حدود و شرایط آن را به دقت بررسی کرد تا امکان فعالیت تجاری بخش‌های عمومی برای بهبود وضعیت کشور نیز حفظ شود.

از چالش‌های اعمال دیدگاه مبتنی بر لزوم افشا می‌توان به برخی مبانی حقوق بشری اشاره کرد. از این منظر، همان‌گونه که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق

دسترسی به اطلاعات به عنوان زیرشاخه حق آزادی بیان در قالب یک حق بنیادین شناخته شده و در ماده ۱۷ نیز از حق مالکیت به عنوان یک حق بنیادین بشری نام برده شده است؛ لذا با توجه به عدم ترجیح حقوق بشر نسبت به یکدیگر و بسیط بودن آن (عدم امکان تفکیک و برتری) و لزوم احترام به مالکیت اشخاص نسبت به اسرار تجاری به عنوان یک حق بشری، نمی‌توان اجرای حق دسترسی به اطلاعات را در اولویت قرار داد. در پاسخ به نکته مطروح، باید گفت که درست است اجرای تمام حقوق بشری به شکل هم‌زمان از اهداف اعلامیه حقوق بشر است، لکن در عمل و در متن زندگی در جوامع واقعی غیرآرمانی، گاهی بنا به شرایط، اجرای برخی حقوق در اولویت قرار می‌گیرند؛ علاوه بر این برخی حقوق بشری، در ذات و ماهیت خود نیز، بنیادی‌تر و دارای اهمیت بیشتری تلقی می‌شوند؛ چراکه برای مثال، حق دسترسی به اطلاعات، مستقیماً به توانایی افراد در مشارکت در حاکمیت دموکراتیک، پاسخگویی نهادهای عمومی و دسترسی به شفافیت مرتبط و واجد جنبه عمومی قوی‌تری است؛ درحالی‌که حق مالکیت، به عنوان حقی فردی در حمایت از منافع خصوصی شناخته می‌شود؛ علاوه بر این، نه تنها به بحث اسرار تجاری به طور مستقیم در اسناد حقوق بشری اشاره‌ای نشده است، بلکه هدف مالکیت مدنظر، حمایت از کرامت انسانی و احترام به دارایی‌های شخصی بشر است؛ اما هدف اسرار تجاری، حمایت از منافع مادی شرکت‌هاست؛ ضمن اینکه از اساس نیز، بحث اسرار تجاری از بحث مالکیت در معنای سنتی، قابل تفکیک است؛ به این دلیل که هرچند مالکیت در بُعد مربوط به اموال فکری، در مورد اسرار تجاری نیز صدق می‌کند، لکن حقوق حاصل از مالکیت سنتی، اکثراً مطلق و کاملاً انحصاری است؛ درحالی‌که حقوق راجع به اسرار تجاری، ماهیتاً غیرانحصاری، محدود به منع افشا و دسترسی غیرقانونی و قابل تحدید با طرق منصفانه و مشروع، مثل مهندسی معکوس یا تلاش مستقل فکری و کسب نتایج مشابه است؛ ضمن اینکه در حقوق رقابت نیز افشای اجباری اطلاعات به عنوان ضمانت اجرایی جهت منع انحصار و جلوگیری از موقعیت مسلط، پیش‌بینی شده است که مشابه آن در حیطه مالکیت سنتی به سختی یافت می‌شود؛ لذا این موارد نشان از این دارد که حق دسترسی بر اسرار تجاری به حد اهمیت

حق مالکیت سنتی نمی‌رسد و لذا حق دسترسی به اطلاعات، حقی بنیادی‌تر، با دامنه وسیع‌تر و محدودیت‌های کمتر و در ارتباط مستقیم با ذات انسان است.

دیدگاه مبتنی بر شفافیت، در حقوق آمریکا، مبانی و ریشه‌های مستحکمی دارد. در مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مقرر قانونی آمریکا، یعنی قانون اساسی، در متمم اول، مصوب سال ۱۷۹۱ به حق آزادی بیان اشاره شده است. مفاد این متمم حاوی یکی از قوی‌ترین و جدی‌ترین حمایت‌ها از آزادی بیان در سطح دنیاست که با فرهنگ و سیاست‌های اساسی مدیریت اجتماعی در آمریکا یکپارچه شده است. در پرونده‌ای^۱ قاضی بلکمون با استناد به متمم اول قانون اساسی، حکم اولیه صادر شده بر اساس قانون اسرار تجاری متحدالشکل داکوتای جنوبی را در محکوم نمودن پخش یک گزارش خبری که فرایندهای محرمانه و اختصاصی را فاش می‌کرد، لغو نمود؛ چراکه در هر صورت، آزادی بیان به عنوان یک حق بنیادین باید مورد احترام باشد؛ بنابراین با بنای اصل بر امکان انتشار اطلاعات در حقوق آمریکا، در اکثر موارد به جز پرونده‌های خاص، ضمانت اجرای انتشار غیرقانونی، جریمه مالی و جبران خسارات است؛ بدین شرح که با عمل به اصل، اطلاعات افشا می‌شوند؛ اما اگر غیرقانونی بودن افشا یا ضرر حاصل از آن اثبات شد، تنها خسارت وارده جبران می‌گردد. در حقیقت حق آزادی بیان از حق بر اسرار تجاری بنیادی‌تر است؛ از همین رو، دستور موقت جهت منع افشا، در پرونده‌های بسیاری توسط دادگاه‌های عالی آمریکا نقض شده است. در یک پرونده^۲ دادگاه چندین دستور منع موقت علیه انتشار اسرار تجاری را بر اساس لزوم آزادی بیان نقض کرد. دادگاه همان معیار دقیق قاضی بلکمون را اعمال کرد که مستلزم اثبات یک تهدید جدی برای منافع مهم اقتصادی دولت در اثر افشای اسرار بود (Greene, 2001: 542-545)؛ بنابراین در مقابل این نگاه، در فرض وجود دارایی فکری و اسرار تجاری که افشای آن متضمن ضرر جدی باشد، به شکل استثنایی به نفع حفظ اسرار نیز حکم داده می‌شود؛ برای مثال یکی از خدمات عمومی مهمی که در آمریکا توسط یک شرکت خصوصی انجام می‌شود، ساخت و طراحی ماشین‌های رأی‌گیری است. این

1. CBS, Inc. v. Davis

2. Proctor & Gamble Company v. Bankers' Trust Company

ماشین‌ها زیرساخت عمومی هستند که از طریق آن فرایند کلی انتخابات، شامل دریافت، شمارش و تأیید آرا و نتایج، انجام می‌پذیرد. درواقع با این دستگاه‌هاست که می‌توان حق رأی را اعمال کرد. در پرونده‌ای^۱ در آمریکا، ارائه ماشین‌های رأی‌گیری توسط شرکت دیبولد به ایالت‌های خاص چالش‌آفرین شد. دیبولد بارها از افشای کد منبع مورد استفاده در عملکرد دستگاه‌های رأی‌گیری خود برای بازرسی عمومی جهت اطمینان از مناسب بودن دستگاه‌ها برای انجام انتخابات دقیق، استنکاف نموده است. در سال ۲۰۰۵، دیبولد از پیروی از قانون کارولینای شمالی که فروشندگان ماشین‌های رأی‌گیری الکترونیکی را ملزم می‌کند کلیه افزارهای مرتبط با عملکرد سیستم رأی‌گیری را افشا کنند، خودداری کرد؛ چراکه معتقد بود نمی‌تواند کد منبع را به دلیل لایسنس‌های انحصاری موجود و اینکه برخی از کدها اسرار اشخاص ثالثی است که تمایلی به افشای آن ندارند، به اطلاع عموم برساند. دادگاه نیز به شکل استثنایی، این استدلال را تأیید کرد. (Levine, 2022: 180)

براساس مطالب مذکور در معرفی دیدگاه مبتنی بر افشا، توجه به برخی دلایل در هنگام تعارض منافع عمومی با منافع تجاری نهاد عمومی، می‌تواند اولویت بخشی به انتشار اطلاعات را توجیه نماید؛ از جمله این دلایل می‌توان به لزوم شفافیت به‌ویژه در جایی که منافع عمومی مطرح است، اشاره کرد؛ برای مثال در پرونده‌ای^۲ در انگلستان، خواهان، اسنادی را از مرکز بهداشت، درمان و مراقبت اجتماعی در مورد روند مناقصه بین نهاد عمومی و ارائه‌دهندگان مراقبت‌های خانگی درخواست کرد. دادگاه به این نتیجه رسید که منافع عمومی حاصل از افشا، از ضرر تجاری محتمل، مهم‌تر هستند و لزوم مشارکت و تصمیم‌گیری مشترک، شفافیت روند مناقصات و اطمینان بخشی به سایر طرف‌های احتمالی معامله در آینده از رعایت قیمت عادلانه و شرایط مناسب قراردادی، افشای اسرار را توجیه می‌کند.

دلیل دوم به نفع لزوم افشا و شفافیت، اهمیت پاسخگویی در قبال مصرف پول و

1. Voting Machines and Diebold Election Systems, Inc

2. Hugh Mills v Information Commissioner EA/2013/0263, (2 May 2014).

بودجه عمومی و تأثیر آن بر ایجاد اعتماد و امکان تسهیل نظارت است. در پرونده دیگری^۱ در انگلستان، خواهان، یک نسخه از قرارداد بین وزارت تجارت، نوآوری و مهارت‌ها و کنسرسیوم ارائه‌دهنده خدمات مشاوره تولید را درخواست کرد. دادگاه در پاسخ به درخواست وزارت برای محرمانه ماندن اطلاعات، نیاز به بهبود شفافیت و حسابرسی در مورد قراردادهای دولتی و مدیریت قراردادهای عمومی را مورد اشاره قرار داد.

دلیل سوم به نفع افشای اطلاعات، ترویج رقابت در تدارک خدمات عمومی توسط بخش خصوصی از طریق شفافیت است. در حقیقت منافع عمومی آشکاری در تشویق رقابت بین شرکت‌های خصوصی برای انعقاد قرارداد با بخش دولتی وجود دارد. شفافیت بیشتر در مورد فرایند مناقصه و مذاکره در مورد قراردادهای بخش دولتی ممکن است شرکت‌های بیشتری را تشویق کند تا در این فرایند شرکت کنند و می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا کیفیت و محتوای پیشنهادهای خود را بهبود بخشند.

دلیل دیگر نیز حفاظت از سلامت مردم است (ICO, 2023)؛ برای مثال در پرونده‌ای در آمریکا^۲ دادگاه به دلیل نگرانی‌های مربوط به سلامت عمومی، اجازه افشای داده‌های مربوط به سلامت و ایمنی لنزهای داخل چشمی ارائه‌شده توسط شرکت‌های تحت نظارت سازمان غذا و داروی ایالات متحده را با وجود استثنای اسرار تجاری در قانون آزادی اطلاعات، صادر کرد. (Levine, 2022: 163-168)

دلیل آخر هم که می‌توان برای توجیه شفافیت و افشا ذکر کرد، نظریه‌های مربوط به حقوق ذی‌نفعان شرکت است. امروزه دایره فعالیت شرکت‌ها و تأثیر آن‌ها بر جامعه آن‌چنان وسیع است که باید علاوه بر سهام‌داران، بخش‌های زیادی از جامعه را به دلیل تأثیرپذیری از اعمال شرکت‌ها، ذی‌نفع و محق نظارت بر فعالیت‌های شرکت دانست؛ بنابراین به‌ویژه در شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی، تأثیرگذاری و قدرت اجتماعی ایشان، باعث لزوم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال مردم می‌شود؛ البته مسئولیت‌پذیری در قبال ذی‌نفعان مستقیم و غیرمستقیم،

1. . Michael Abbott v Information Commissioner and the Department for Business Innovation and Skills
EA/2015/0189, (23 September 2016)

2. . Pub. Citizen Health Research Group v. FDA, 704 F.2d 1280, 1289 (D.C. Cir. 1983).

برای خود شرکت‌ها نیز از جهت تأثیر مثبت به اعتبار و شهرت تجاری و اعتمادآفرینی و ایجاد مزیت رقابتی، امری استراتژیک و مورد تمایل است؛ در همین راستا بار دیگر لزوم شفافیت و پاسخگویی عمومی از طریق تأمین دسترسی آزاد به اطلاعات با اولویت بخشی به افشای حداکثری، توجیه می‌گردد. (عزیز زاده و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۵۵-۲۷۲)

از دید تحلیل اقتصادی نیز، دسترسی به اطلاعات با ایجاد شرایط رقابت عادلانه و جلوگیری از انحصار دولتی در بازار و منع دستیابی به موقعیت مسلط و سوءاستفاده از اطلاعات همراه است و از خطراتی مثل تضعیف بازار آزاد، قیمت‌گذاری دستوری و حذف رقبا پیشگیری می‌کند؛ علاوه بر این، افشای اطلاعات بر مبنای اصل لزوم کاهش شکست بازار، منجر به تعدیل موقعیت اطلاعاتی نامتقارن میان رقبا و فعالان در بازار و تعادل بین بازیگران اقتصادی و نیز باعث بهبود تصمیم‌گیری بر مبنای شفافیت و گردش آزاد دانش و اطلاعات می‌شود. در چنین شرایطی با بهبود اعتماد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران (حتی خارجی) و تأمین امکان مشارکت آگاهانه ایشان، زمینه‌های رشد اقتصادی کشور فراهم می‌شود. با توضیحات و مزایای بیان شده، اصولی مثل هزینه - فایده، اصل خلق ارزش و اصل کارایی تخصیصی، لزوم استفاده بهینه از منابع اقتصادی (اطلاعات به عنوان کالاهای عمومی، با افشا و دسترسی آزاد، کاراتر خواهند بود) نیز برتری افشای اطلاعات را تأیید می‌نماید؛ ضمن اینکه دسترسی آزاد به اطلاعات حتی با مبانی حقوق رقابت هم سازگار است؛ در همین راستا، برای مثال طبق ماده ۵۱ قانون نحوه اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، مالکیت فکری با اعطای حقوق انحصاری نباید منجر به محدودیت یا اختلال در بازار گردد؛ لذا سوءاستفاده مؤسسات و شرکت‌های دولتی از اسرار تجاری برای ایجاد انحصار و موقعیت مسلط در بازار از منظر حقوق رقابت نیز ممنوع است؛ علاوه بر این، در قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ نیز، در ماده ۳۹، موارد صدور پروانه بهره‌برداری اجباری برشمرده شده که از جمله شامل مصالح ملی و منافع عمومی و مقابله با رویه‌های ضد رقابتی می‌شود. وقتی طبق این ماده، حتی با مبانی رقابتی نیز، ممکن است افشا و اشتراک‌گذاری اسرار تجاری اجبار شود، در موارد وجود دلایل و مبانی حقوق بشری مثل حق دسترسی آزاد به

اطلاعات، به طریق اولی امکان کنار گذاشتن لزوم محرمانگی اسرار تجاری وجود دارد. در حقیقت ذیل چنین نگاهی، مضیق بودن استثنائات دسترسی به اطلاعات یک اصل پذیرفته شده است. درست است که حق دسترسی مطلق نیست و محدودیت‌هایی دارد، لکن این محدودیت‌ها یا بر اساس منافع والاتری بنا نهاده شده‌اند؛ مثل امنیت ملی و روابط بین‌المللی، که در این صورت دامنه استثنا گسترده است یا از وجهه و اهمیت عمومی کمتری برخوردار هستند؛ مثل اسرار تجاری، که باید مشروط و مضیق تفسیر شوند؛ یعنی اجرای استثنا باید با چندین شرط همراه باشد، همان‌طور که در مورد اسرار تجاری شروط و ویژگی‌های خاصی مطرح است. (زندیه و سالارسروی، ۱۳۹۲: ۱۲۵) طبق این رویکرد، حتی در صورتی که نحوه کار و فعالیت یک نهاد یا سازمان دولتی، دارای اهمیت و محرمانگی بسیار باشد و اکثر آن‌ها جزو استثنای افشای اطلاعات قرار گیرند، باز هم به هیچ‌عنوان نمی‌توان آن نهاد را به‌طور کلی از دایره شمول قانون دسترسی آزاد به اطلاعات مستثنی کرد. تمام بخش‌های حکومت، حتی دستگاه‌های امنیتی و دفاعی مشمول سطوح مختلف لزوم انتشار اطلاعات هستند و هر استثنایی باید به شکل مضیق و جزئی و به صورت دقیق توجیه شود. در این راستا استثنای مصلحتی نیز پذیرفته نیستند. (حاجی، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

در نهایت توجه به این نکته ضروری است که با نگاه مایل به پذیرش و اولویت محرمانگی، صرف رد کردن ادعای خامی مبنی بر سرّ تجاری بودن برخی اطلاعات، حتی بدون دلیل صریح و واضح، از طرف دادگاه غیرمتخصص یا غیرآگاه به امور و فعالیت‌های آن شرکت، دشوار و غیرعملی است (Villasenor, 2024: 526)؛ بنابراین درست است که در نظام حقوق کامن‌لا، حفظ منافع عمومی از مبانی اصلی حمایت از اسرار تجاری است، اما همین نفع عمومی در برخی مواقع بنا به تشخیص دادگاه، اتفاقاً می‌تواند دلیل و مبنای افشای اطلاعات باشد. با توجه به مبنایی بودن حقوقی مثل آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات، باید اصل را بر شفافیت گذاشت و بار متقاعد کردن دادگاه برای حفظ محرمانگی را (هم بار اثبات وجود سرّ تجاری و هم اثبات شروط و ویژگی‌هایش) به دوش شرکت نهاد، به‌ویژه در مواقعی که جنبه محرمانگی اطلاعات ضعیف است یا اقدامات

معقولی از قبیل قراردادهای منع افشا یا سایر تکنیک‌های فنی انجام نشده و هزینه‌های مادی یا معنوی برای حفظ اطلاعات صرف نشده باشد. (شاکری، ۱۳۹۴: ۲۱۴-۲۱۷)

بخش سوم: یافته‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای مدیریت تعارض

یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که با وجود قوانین و مقررات مذکور، چه در مورد دسترسی آزاد به اطلاعات و چه در خصوص اسرار تجاری، به دلیل خلأ این اسناد و عدم ارائه تعریف دقیق از اسرار و ویژگی‌های آن، رویه‌های متعدد قضایی و قوانین پرشمار و اختلافات میان اسناد قانونی ایالت‌ها در کشورهایی مثل آمریکا، عدم وضع قوانین دقیق و نبود سوابق رسیدگی در این خصوص در کشورهایی مثل ایران، عدم توجه به اسرار تجاری مؤسسات دولتی و خطاب قوانین نسبت به اسرار شرکت‌های ثالث خصوصی و همین‌طور مصداقی و موردی بودن بحث، همچنان چالش‌ها و تردیدهایی در خصوص نحوه جمع میان حفظ اسرار تجاری و دسترسی به اطلاعات عمومی باقی‌ست؛ برای مثال در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات سال ۱۳۸۷، تنها در یک ماده و به نحو بسیار مختصری، به حفظ اسرار تجاری، آن هم تنها اسرار اشخاص ثالث، اشاره شده است؛ بدون اینکه حتی اسرار تجاری تعریف شوند یا ویژگی‌های آن‌ها ذکر گردد؛ لذا از زمان تصویب این قانون به مدت حدود ۱۴ سال، تا زمان تصویب شیوه‌نامه تشخیص و تفکیک اطلاعات تجاری از اطلاعات عمومی (سال ۱۴۰۱)، تمام ابعاد مربوط به تعارض بین حفظ اسرار تجاری و دسترسی به اطلاعات عمومی، مسکوت مانده است و مشخص نیست که در عمل بخش‌های عمومی در این سال‌ها چگونه با چنین چالشی روبه‌رو شده‌اند. به هر حال در شیوه‌نامه مذکور، خوشبختانه هم اسرار تجاری تعریف شده‌اند، هم ویژگی‌های آن‌ها بیان شده و هم مصادیق آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته است؛ ضمن اینکه با تصریح بهتری، اسرار خود مؤسسات عمومی نیز مورد حمایت قرار گرفته‌اند؛ با وجود این، به دلیل ناکارآمدی سامانه دسترسی به اطلاعات و عدم اقبال و دغدغه عمومی در این خصوص، نحوه اجرای این موارد و چالش‌های عملی و حتی رویه قضایی در این زمینه مشخص

نیست؛ ضمن اینکه به ترکیب و نحوه انجام وظایف قانونی توسط کمیسیون دسترسی آزاد به اطلاعات به‌ویژه از حیث تأخیر در تصویب شیوه‌نامه‌های مهم در تکمیل قانون نیز انتقادات بسیاری وارد است؛ بنابراین در حقوق ایران همچنان وضعیت تعارض بین دسترسی به اطلاعات و حفظ اسرار تجاری در ابهام و تردید جدی قرار دارد؛ لذا ضروری است راهکارهایی جهت مدیریت و کاهش چالش‌ها در زمینه اعمال هم‌زمان حق بر حفظ اسرار تجاری و حق بر دسترسی به اطلاعات عمومی، ارائه گردد.

اولین راه‌حل رفع تعارضات برای حفاظت هم‌زمان از منافع عمومی ناشی از انتشار اطلاعات مؤسسات و شرکت‌های عمومی و منافع مالی این نهادها در حفظ اسرار تجاری، با عنایت به نارسایی‌های قانونی و ابهامات عملی در اجرای قوانین، تفکیک و محتوازدایی است. منظور از محتوازدایی، جدا کردن فرمول‌ها، نتایج، الگوریتم‌ها و اطلاعات و دانش فنی و تجاری از سایر اطلاعات و داده‌های خام مرتبط است، به نحوی که با افشای آن‌ها، کلیت تصمیمات و فرایندها روشن شود؛ اما یافته‌های فنی نهایی و سری در امان بمانند؛ بنابراین با افشای برخی اطلاعات که از حساسیت کمتری برخوردار هستند و نگه داشتن اسرار اصلی، هم می‌توان به درخواست‌ها پاسخ داد و شفافیت لازم را تأمین کرد و هم از اطلاعات تجاری حفاظت کرد. در واقع در این حیطه، اطلاعات از اصل تفکیک‌پذیری تبعیت می‌کنند؛ بنابراین اگر اطلاعات درخواستی با اطلاعات دیگری که محرمانه هستند ترکیب شده باشند یا جزئی از مجموعه، پایگاه داده یا اسناد و قراردادهایی باشند که کلیات آن‌ها محرمانه و واجد وصف سرّ تجاری است، مؤسسه عمومی نمی‌تواند از در اختیار قرار دادن کل مجموعه اطلاعات به بهانه محرمانگی خودداری کند و باید آن بخش از اطلاعات که دارای اهمیت کمتر یا فاقد ویژگی‌های اسرار تجاری هستند افشا شود و از این طریق، شفافیت و محرمانگی به شکل هم‌زمان اجرا گردد. (محسنی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۴۸)؛ برای مثال در پرونده‌ای در انگلستان^۱ درخواست‌کننده از کانال ۴ تلویزیون راجع به جزئیات مکاتبات، صورت جلسات و توافق با اسکای تیوی سؤال کرد. کانال ۴ این درخواست را رد و به استثنائات قانون دسترسی

1. Channel 4 v the Information Commissioner EA/2010/0134, (22 February 2011)

آزاد به اطلاعات استناد کرد. دادگاه با تفکیک اطلاعات تصمیم گرفت که جدای از اطلاعات خاص شناسایی شده که از افشا معاف هستند، کانال ۴ باید محتوای ۹ سند را افشا کند (ICO, 2023)؛ علاوه بر این و به شکل موردی، امکان انعقاد قرارداد محرمانگی، در صورت تمایل به افشای محدود سرّ تجاری برای افراد نیز وجود دارد؛ برای مثال شخص معترض نسبت به الگوریتم‌های قیمت‌گذاری برخی خدمات خاص راجع به خود، می‌تواند با اطلاع از الگوریتم‌ها در کنار امضای قراردادهای محرمانگی، از اجرای عدالت در مورد خویش مطمئن شود.

از میان راه‌حل‌های فوق در حقوق ایران، شیوه‌نامه تشخیص و تفکیک اطلاعات مربوط به حریم خصوصی و اطلاعات شخصی از اطلاعات عمومی (سال ۱۳۹۸) برای حفاظت از داده‌های شخصی اشخاص حقیقی، در ماده ۲۲ حذف یا بی‌نام کردن داده‌های شخصی یا تفکیک آن‌ها از سایر اطلاعات را پیشنهاد داده است؛ لذا اسرار تجاری نیز که از جمله داده‌های شخصی شرکت‌ها هستند، می‌توانند از سایر اطلاعات درخواستی در صورت امکان تفکیک شده یا محتوایابی شوند. ماده ۲۳ مقرر فوق نیز، به امکان اخذ نظر مشورتی از کمیسیون درباره اطلاعات خصوصی و داده‌های شخصی اشاره کرده است. مؤسسات عمومی در صورت تردید که آیا با اطلاعات مربوط به حریم خصوصی و اطلاعات شخصی مواجه هستند یا خیر، می‌توانند از کمیسیون استعلام کنند. در مورد اسرار تجاری نیز باید امکان چنین استعلامی را در نظر بگیریم. شیوه‌نامه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی عمومی، در ماده ۷ بیان کرده است که در مواردی که بالاترین مقام مؤسسه دارنده اطلاعات تشخیص می‌دهد که انتشار اطلاعات مذکور در این شیوه‌نامه می‌تواند به اختلال در بازار منجر شود با اخذ تأیید از کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و تا مدتی که کمیسیون مشخص می‌کند می‌تواند از انتشار آن اطلاعات خودداری کند. اختلال در بازار می‌تواند به دلیل افشای اسرار تجاری دولتی باشد و لذا باید این مورد را نیز در نظر گرفت.

با اتخاذ نگاه مبتنی بر اولویت افشای اطلاعات، می‌توان محدود کردن تعریف اسرار تجاری در قوانین دسترسی به اطلاعات را، به عنوان راه‌حلی جهت رفع تعارضات معرفی

کرد. طبق این نکته، عدم پذیرش اطلاعاتی که صرفاً راجع به فعالیت‌های تجاری و بازرگانی هستند و افزودن شروطی به تعریف اسرار تجاری مثل کاربرد حقیقی در تجارت، ایجاد مزیت رقابتی و اثبات احتمال بالای ایراد خسارت در صورت افشا، می‌تواند از استناد بی‌ضابطه به استثنای محرمانگی اسرار تجاری حین دسترسی به اطلاعات عمومی، جلوگیری کند و چالش‌ها و تعارضات این حوزه را تا حدی کاهش دهد یا در یک قدم جلوتر، طبق نظر برخی، می‌توان استثنای اسرار تجاری را به کل از قوانین آزادی اطلاعات حذف کرد؛ چراکه سایر استثنائات مربوط به امنیت ملی، منافع عمومی و اسرار و اسناد محرمانه دولتی، در تأمین منافع بخش عمومی و حفاظت از اطلاعات ایشان، کفایت می‌کنند؛ همین‌طور با تعدیل این نظر و حفظ استثنا، می‌توان حداقل مدت حمایت از سرّ تجاری را در مواردی که با خدمات عمومی و نفع جامعه در ارتباط است، محدود کرد. تغییر ضمانت اجرای انتشار اسرار هم می‌تواند کارگشا باشد. در حقیقت اگر ضمانت اجرای مربوط به انتشار غیرقانونی اسرار تجاری، صرفاً به جبران خسارت مالی یا اعطای سود حاصل از سوءاستفاده از اسرار، به صاحب قبلی سرّ تجاری، محدود شده و ضمانت اجرای منع افشا یا حذف اطلاعات به کل، کنار رود، با حفظ و جبران منافع اقتصادی حاصل از اسرار تجاری، اطلاعات نیز افشا شده و شفافیت تا حد زیادی تأمین می‌شود (Levine, 2022: 191-192).

اما مطابق با نگاه مبتنی بر لزوم حفظ محرمانگی به نفع بخش عمومی، ایجاد و استفاده از دارایی‌های مکمل اختصاصی در ارائه خدمات عمومی نیز، به‌ویژه در مواردی که درآمدهای اصلی و استراتژیک دولت از این طریق تأمین می‌شود، مفید است. دارایی‌های مکمل یک اصطلاح مشخص، متضمن اشاره به دارایی‌ها و مواد اولیه‌ای است که به‌عنوان مکمل و برای ممکن نمودن ارائه برخی خدمات و کالاهای عمومی خاص به کار می‌روند و تولید و استفاده از آن‌ها در انحصار حکومت و دولت قرار دارد؛ مثلاً در ارائه یک کالا یا خدمت عمومی، به دلیل حساسیت بالای آن کالا و برای مثال کارکردهای نظامی یا ارتباط با سلامت عمومی (داروهای خاص)، به دلیل تولید یا واردات

اختصاصی مواد اولیه توسط دولت و منع شرکت‌های خصوصی از دخالت در این امور و عدم اعطای مجوز به ایشان، می‌توان از منافع و درآمدهای اختصاصی دولت حمایت و حتی در فرض افشای اسرار تجاری، از تقلید رقبا جلوگیری کرد. (Tang, 2023: 32)

آخرین راه حل قابل طرح نیز، از نظر برخی، تمرکز بر ثبت اختراع به جای نظام حفاظت از اسرار تجاری است. درواقع به دنبال تأمین شرایط قانونی لازم برای اسرار تجاری و ثبت آن‌ها به عنوان اختراعات و دارایی فکری (حداقل در مورد بخشی از اسرار که ویژگی‌های اختراع را دارا هستند)، ضمن افشای اطلاعات مربوط به آن‌ها به موجب ثبت و تأمین شفافیت و اطلاع‌رسانی عمومی از این طریق، حمایت‌های انحصاری نیز به دارنده این دارایی فکری ارائه و منافع تجاری ایشان تضمین می‌شود؛ البته متأسفانه در شرایط فعلی، نظام اسرار تجاری به دلیل عدم شرطیت ثبت و افشا برای حمایت و عدم محدودیت زمانی در ارائه حقوق به دارنده، محبوبیت خویش را حفظ کرده است؛ اما به هر حال بهتر است که نهادهای ذی صلاح و مقنن در هر کشوری، با کنار گذاشتن نظام حمایت از اسرار تجاری (مثل فرانسه و ایرلند)، اولاً ضمن به رسمیت شناختن حق بر حریم خصوصی برای اشخاص حقوقی و ثانیاً با اصلاح، بهبود و گسترش نظام حقوقی دارایی فکری و ثبت اختراعات و ایجاد انگیزه در اشخاص و همچنین با الزام موردی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات و زیرساخت‌های عمومی نسبت به افشای اطلاعات تجاری از طریق ثبت آن‌ها، قدم‌هایی جهت تأمین شفافیت لازم در این حوزه بردارند؛ چراکه نظام ثبت اختراع به دلیل الزامات افشای عمومی و مدت زمان محدود انحصار، احتمالاً مفهومی دموکراتیک‌تر از رازداری تجاری در زمینه تأمین زیرساخت‌های عمومی است (Levine, 2022: 187)؛ البته این نقد وارد است که از طرفی اسناد بین‌المللی مثل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت‌های فکری، کشورها را به وضع قوانین برای حفاظت از اسرار تجاری ملزم نموده‌اند و از طرف دیگر تمام اسرار تجاری نیز واجد اوصاف و ویژگی‌های اختراع نیستند؛ اما باید این نکته را در نظر گرفت که اشخاص حقیقی نیز از حمایت نظام اسرار تجاری برخوردار نیستند و صرفاً قوانین و مقررات حوزه حریم خصوصی از اطلاعات مربوط به اشتغال و زندگی تجاری ایشان حمایت می‌کند؛

بنابراین می‌توان در قدم اول با پذیرفتن حریم خصوصی تجاری برای اشخاص حقوقی در مقررات مربوط به حریم خصوصی، مثل اشخاص حقیقی، نیاز ایشان به حفاظت از اسرار تجاری فاقد ویژگی‌های اختراع را با قوانین مفصل حریم خصوصی، به شکل کامل و دقیق پاسخ داد و هم‌زمان الزامات بین‌المللی متضمن لزوم حفاظت از اسرار تجاری را نیز با این حمایت‌ها تأمین کرد و در قدم بعد و در آینده با افزایش مصادیق اختراع و تسهیل در برخی شرایط راجع به شرکت‌ها، سایر مصادیق اسرار تجاری را نیز پوشش داده و کنار گذاشتن نظام فعلی اسرار تجاری را عملی کرد؛ اما به هر حال فعلاً زمینه‌ها و مبانی لازم برای جایگزینی نظام ثبت اختراع با نظام حمایت از اسرار تجاری وجود ندارد.

در تکمیل موارد مذکور، جهت افزایش بهره‌وری و انتشار دقیق و درست اطلاعات با کمترین میزان خطا و حفظ منافع طرفین ارتباط، استفاده بهتر و بیشتر از سامانه‌های الکترونیک و فناوری اطلاعات و حتی در نسخه‌های پیشرفته‌تر، استفاده از هوش مصنوعی برای تفکیک و محتوای خودکار اطلاعات تجاری از اطلاعات عمومی پیشنهاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

برای جمع میان منافع عمومی ناشی از افشای اطلاعات دولتی و نفع اقتصادی ناشی از حفظ سرّ تجاری مؤسسات و شرکت‌ها، رویکردهای متفاوتی در کشورهای مختلف اتخاذ شده است. در حقوق آمریکا با وجود داشتن مفصل‌ترین و قدیمی‌ترین مقررات در حوزه آزادی بیان و همچنین یکی از اولین قوانین آزادی اطلاعات، به تعریف اسرار تجاری در این قانون پرداخته نشده است؛ اما رویه قضایی و خصوصیات نظام حقوقی آمریکا، خلأهای این حوزه را نشان می‌دهد؛ علاوه بر این به دلیل نقش ریشه‌ای حق آزادی بیان در قانون اساسی آمریکا، در مواقع ابهام و تردید نیز، با برقراری اصل شفافیت و افشا، سؤالات و چالش‌های موجود پاسخ داده می‌شود. در اتحادیه اروپا نیز، هم در قوانین و مقررات مربوط به آزادی بیان و اطلاعات، به استثنای افشای اسرار تجاری اشاره شده و هم در قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به اسرار تجاری، به منافع عمومی

و لزوم افشای اسرار در مواقع خاص از جمله با استناد به آزادی بیان و اطلاعات، تصریح شده است؛ همچنین در سایر کشورهای غیرعضو اتحادیه، مثل انگلستان نیز رویه‌های مفصلی در این خصوص وجود دارد؛ لکن در حقوق ایران، در مقرر اصلی این حوزه یعنی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات سال ۱۳۸۷ تعریف اسرار تجاری و جزئیات و تشریفات مستثنی شدن آن از دامنه اعمال حق دسترسی به اطلاعات مغفول مانده و رویه قضایی خاصی نیز وجود ندارد تا به رفع خلأهای این حوزه کمک کند؛ لذا بنا به مطالب فوق، با عنایت به اهمیت حق دسترسی به اطلاعات و ارتباط آن با حقوق بنیادین بشری مثل آزادی بیان و بنابراین اولویت آن نسبت به حقوقی مثل حق بر اسرار تجاری، در حقوق ایران و برای رفع خلأها و ابهامات قانونی و عملی، رازداری تجاری دیدگاهی نیست که بتواند به خوبی با ذات اقدامات دولت در تأمین زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، تطبیق پیدا کند؛ درحالی‌که ممکن است دلایل اقتصادی خوبی مثل حفظ مزیت رقابتی و درآمد دولت برای رازداری، به‌ویژه با عنایت به شرایط اقتصادی حاضر، وجود داشته باشد؛ اما برای نگرانی‌های مربوط به منافع عمومی، باید اهمیت بیشتری قائل بود. در حقیقت پرداختن به نیازهای تجاری یک نهاد نمی‌تواند پاسخگوی دغدغه مردمی باشد که در کشور نیازمند پیشرفتی مثل ایران، راجع به نحوه هزینه‌کرد بودجه عمومی پرسشگر و نسبت به فساد و عدم شفافیت اداری معترض هستند. از طرفی نیز، فقدان اعتماد عمومی با منجر شدن به تضعیف اعتبار و وجهه مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا شرکت‌های خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی، سود احتمالی حاصل از حفظ اسرار تجاری را نیز بی‌اثر می‌کند. در حقیقت پتانسیل افزایش اعتماد مردم، ممکن است زیان از دست دادن اسرار تجاری را جبران کند؛ همچنین همکاری و مشارکت عمومی می‌تواند امکان بهبود تصمیم‌گیری در تأمین زیرساخت‌های عمومی را از طریق مشورت و اعمال نظر و همچنین نظارت و حسابرسی، فراهم کند؛ بنابراین با وجود خلأهای قانونی و نبود رویه‌های عملی، ضمن لزوم اصلاح و تکمیل مقررات این حوزه در آینده و بهبود سامانه‌های دسترسی به اطلاعات و استفاده از فناوری‌های نوین مثل هوش مصنوعی برای افشای هدفمند و تفکیک صحیح اطلاعات ذیل این بسترها،

کمیسیون دسترسی آزاد به اطلاعات نیز باید در ارائه گزارش‌های دوره‌ای و تلاش برای افزایش آگاهی عمومی فعال‌تر عمل کند؛ ضمن اینکه به دلیل در حال توسعه بودن کشور و لزوم فعالیت اقتصادی بخش عمومی، افزون بر تعیین حدود دقیق و موازینی جهت کارایی بهتر افشای اطلاعات در عین حفاظت از اسرار، در فرض تعارض و تردید، با توجه به مزایای اقتصادی مطروح حاصل از شفافیت و بنیادی بودن حق دسترسی، باید برتری را با لزوم افشای اطلاعات ذیل شرایط قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات دانست.



منابع فارسی

- حاجی، زهرا، (۱۳۹۳)، بررسی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و آثار آن در نظام حقوقی مطبوعات، علوم خبری بهار، ۲(۹)، صص ۱۴۰-۱۷۳.
- زندیه، حسن و سالارسروی، حسن، (۱۳۹۲)، شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات، گنجینه اسناد ۲۳(۸۹)، صص ۱۱۶-۱۳۴.
- شاکری، زهرا، (۱۳۹۴)، خوانشی بر تحدید قلمرو حقوق اسرار تجاری؛ با نگاهی به دفاعیات خوانندگان دعاوی نقض، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۸(۷۰)، صص ۱۹۷-۲۲۲.
- عزیززاده، فاطمه و رضایی، علی و مبین، حجت، (۱۴۰۲)، بررسی چالش‌ها و موانع دسترسی به اطلاعات شرکت‌های تجاری توسط ذی‌نفعان، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۰(۱۱۳)، صص ۲۵۳-۲۸۷، doi: 10.22034/mr.2022.4967.4786.
- کرمی، محمدعلی و پروین، خیرالله و رضایی‌زاده، محمدجواد، (۱۴۰۰)، بایسته‌های حق دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل بشر و نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱(۴)، صص ۳۱۷-۳۴۶، doi: 10.22034/irr.2024.434651.2493.
- محسنی، وجیهه و هاشمی، سید محمد و جاوید، محمد جواد و عباسی، بیژن، (۱۳۹۸)، تحلیل حقوقی نسبت سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، پژوهش حقوق عمومی، ۲۰(۶۲)، صص ۳۲۱-۳۵۴، doi: 10.22054/qjpl.2019.32645.1860.
- ویژه، محمدرضا و طاهری، آزاده‌سادات، (۱۳۹۰)، تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتوی اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳(۳۵)، صص ۲۳۷-۲۶۸.

منابع انگلیسی

- Cristescu, Aureliu, (1981), The right to self-determination historical and current development on the basis of united nations instruments,

UN Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities.

- Fields, Fred H. Cate, D. A. & McBain, James K, (1994), The Right to Privacy and the Public's Right to Know: The "Central Purpose" of the Freedom of Information Act, 46 Administrative Law Review, pp 40-74.
- Goldman, Daniel B., (2008), (Trade) Secrets, Secrets Are No Fun-Especially When Disclosed Through FOIA Requests to Everyone, Seventh Circuit Rev, 3(2), pp 689-728.
- Greene, David, (2001), Trade Secrets, the First Amendment and the Challenges of the Internet Age, UC Law SF Comm. & Ent. L.J. 23(3), pp 536-562.
- ICO, (2023), Section 43 – Commercial interests, Available at: (<https://ico.org.uk/for-organisations/foi/freedom-of-information-and-environmental-information-regulations/section-43-commercial-interests/>) Visited: 2025/01/15.
- Information Commissioner of Canada, (2023), Section 20(1) (a): Trade secrets of a third party, Available at: (<https://www.oic-ci.gc.ca/en/information-commissioners-guidance/section-201a-trade-secrets-third-party>) Visited: 2025/01/15.
- Laskar, Manzoor, (2013), Summary of Social Contract Theory by Hobbes, Locke and Rousseau, SSRN Electronic Journal.
- Levine, David S, (2022), Secrecy and Unaccountability: Trade Secrets in our Public Infrastructure, 59 Fla. L. Rev, pp 135-193.
- Mylly, Ulla-Maija, (2020), Freedom of the Media and Trade Secrets in Europe, In Sharon Sandeen, Christoph Rademacher and Ansgar Ohly (Eds.): Research Handbook on Information Law and Govern-

- ance, Edward Elgar, pp 1–20, doi:10.2139/ssrn.3750800.
- Sharon K. Sandeen & Ulla-Maija Mylly, (2020), Trade Secrets and the Right to Information: A Comparative Analysis of E.U. and U.S. Approaches to Freedom of Expression and Whistleblowing, 21 N.C. J.L. & TECH, 2(3), pp 1–62.
 - Tang, Xiaoli (Shirley) , (2023), The Transparency Dilemma: Competition, Innovation, and Organizational Performance with Corporate Transparency, dissertation, Olin Business School Electronic Theses and Dissertations.
 - Villasenor, John, (2024), Artificial intelligence, trade secrets, and the challenge of transparency, North Carolina Journal of Law & Technology, 3(25), pp 495–536.
 - White, Nancy & Sanney, Kenneth, (2010), FOIA and Trade Secrets: Managing the Risks of FOIA–able Trade Secrets, SSRN Electronic Journal, pp 1–35.